

شهران پژوهی / ۱۴

دارالفنون

دکتر ناصر تکمیل همایون



بسم الله الرحمن الرحيم

دارالفنون



دفتر پژوهشهای فرهنگی

تهران پژوهی / ۱۴

دارالفنون

دکتر ناصر تکمیل همایون

تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ -

دارالفنون / ناصر تکمیل همایون - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۷.
۶۳ ص: مصور - (تهران پژوهی: ۱۴)

ISBN: 978-964-379-425-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

۱. دارالفنون. الف. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۷۴۵۰۷۱

DSR ۱۳۸۶/ت ۸۵۲/۱۳۹۷

۵۰۸۹۲۰۵

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-425-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۴۲۵-۵

• دارالفنون

• دکتر ناصر تکمیل همایون

• Dârolfonun

• Nâser Takmil Homâyun (Ph.D.)

• ویراستار: میترا طاهری لطفی

• عکس روی جلد: رعنا جوادی • طراح جلد و صفحه آرا: فریده داورزنی

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • چاپ اول: ۱۳۹۷

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.



دفتر پژوهشهای فرهنگی

مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری قصرالدشتی،

شماره ۵. کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱

تلفن: ۸۸۸۲۱۳۶۴ دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن های فروش: ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷، ۸۸۸۴۹۴۶۱

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷ دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

یادداشت

این روزها بحث از هویت شهرها فراوان شنیده می‌شود. شهروندان در هر نقطه‌ای از زمین، در پی کشف و شناخت هویت خود و مکان و زمانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. اهل یک شهر یا کشور بودن، یعنی خود را متصل و متعلق به تاریخ و مکان و فضای آن شهر و کشور دانستن و آن را بخشی از خود به شمار آوردن. تلاش هر فرد برای شناخت هویت خود، از سویی نسبت او را با دیگری مشخص می‌کند و از دیگر سو او را وادار به شناختی عمومی از جهان پیرامونش، تاریخش، خاطراتش، مواردش، احساساتش، ارزش‌ها، مفاهیم، بزرگان و مشاهیر و خصوصیات جمعی محیط زیستش می‌سازد. «هویت» مرتبط با شهر، شهروندان یک شهر را از غیر شهروندان متمایز کرده و حس مسئولیت «شهروندی» برای «ساکنان» ایجاد و آستانه تمیز میان «ساکن» یک شهر با «شهروند» یک شهر را ترسیم می‌کند.

اما شهرها را در این عصر، بدون مشارکت آگاهانه شهروندان نمی‌توان اداره کرد و اصولاً توسعه در هیچ عرصه‌ای را بدون مشارکت مردم هر شهر نمی‌توان رقم زد. بدیهی است که امر مشارکت مردم تحقق نمی‌پذیرد مگر زمانی که حس تعلقی عمیق نسبت به مکانی که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند. اما حس تعلق نسبت به مکان زندگی، زمانی می‌تواند ایجاد شود که نسبت به شخصیت و هویت آن مکان شناختی کافی نزد شهروندان به وجود آمده باشد. به عبارت دیگر، بدون شناخت کامل ابعاد مختلف یک شهر، نمی‌توان انتظار وقوع مشارکت آگاهانه و مسئولانه شهروندان را در اداره شهر

داشت. شناختی که در ابعاد کالبدی و ذهنی از محیط‌های طبیعی، مصنوع و انسانی هر شهر به دست می‌آید. محیط‌های طبیعی هر شهر، چون کوه‌ها، رودها، تپه‌ها، دشت‌ها، مناظر طبیعی و غیره و محیط‌های مصنوع چون ابنیه، مجموعه‌های شهری، محله‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌راه‌ها، میدان‌ها، پُل‌ها، بناهای اداری، آموزشی، نظامی و مانند آن و محیط‌های انسانی همراه با تنوع زبانی، دینی، مذهبی، نژادی، قومی، عقاید و آداب و رسوم، پاره فرهنگ‌ها، آیین‌ها، مراسم، رویدادهای ملی و مذهبی و غیره هستند. مجموعه این محیط‌ها، محتوای هویت یک شهر را تعیین و توضیح می‌دهد و تفاوت هویتی میان شهرهای مختلف و نیز شهروندان آنها را رقم می‌زند.

اما کلان‌شهر تهران که در تمامی وجوه خود موضوع مجموعه «تهران‌پژوهی» است، همان‌گونه که در کالبد و بافت، بنا به بنا و محله به محله متفاوت و متنوع شده، در ترکیب جمعیتی و پاره فرهنگ‌های موجود در جامعه نیز متنوع و متکثر شده است.

مجموعه کتاب‌هایی که ذیل عنوان «تهران‌پژوهی» منتشر می‌شود، تهران را با تاریخ دیروز و امروز و از مناظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی مورد مطالعه قرار می‌دهد تا این مجموعه و گستره شناخت آن، دستمایه‌ای باشد برای آنهایی که به بهبود کیفیت مادی و معنوی زندگی نسل امروز در این شهر می‌اندیشند و نیز برای شهروندانی که در کار ساختن آینده این شهر هستند و دل‌نگران به آن فکر می‌کنند!

دفتر پژوهشهای فرهنگی

۹	پیش سخن
۱۱	فصل یکم. امیرکبیر، صدراعظم ایران
۱۱	درآمد
۱۱	۱. خاستگاه خانوادگی (مقدمات برآمدن)
۱۱	الف. موقعیت خانوادگی
۱۳	ب. مأموریت به روسیه
۱۳	ج. مأموریت به عثمانی
۱۳	۲. بروز شایستگی و توانایی و رسیدن به صدارت
۱۵	۳. اصلاحات فرهنگی
۱۶	۴. اندیشه دارالفنون
۱۶	الف. حراست از استقلال ایران در گزینش استادان و معلمان خارجی
۱۷	ب. حفظ دیانت و اخلاق و فرهنگ ایرانی
۱۹	فصل دوم. کالبد و فضای مدرسه
۱۹	درآمد
۱۹	۱. نقشه نخستین دارالفنون
۲۴	۲. بازسازی بنا و دگرگونی‌ها
۲۶	۳. ورودی خیابان ناصرخسرو و تزئینات داخلی حیاط

۲۹	۴. موقعیت کنونی ساختمان دارالفنون
۳۳	فصل سوم. نهاد آموزش‌های جدید
۳۳	درآمد
۳۴	۱. برنامه آموزشی
۳۶	۲. معلمان و مدرسان
۴۱	۳. دانشجویان
۴۵	۴. اولین فارغ‌التحصیل و متن گواهی‌نامه وی
۴۷	۵. امکانات و برنامه‌های جانبی
۵۱	فصل چهارم. مدیریت مدرسه
۵۱	درآمد
۵۲	۱. امور اجرایی
۵۲	الف. پایگیری نهاد اجرایی
۵۴	ب. بودجه و مسائل مالی
۵۶	۲. بازماندگی رشد دارالفنون
۵۹	سخن پایانی
۶۳	منابع و مأخذ

پیش‌سخن

تأسیس مدرسه دارالفنون، یکی از پدیده‌های فرهنگی چشمگیر در تاریخ معاصر ایران است. این امر تاریخی در پی شرایط خاصی به ظهور رسید که شناخت آن ضروری به نظر می‌رسد. نظام سستی آموزش و پرورش ایران در رده‌های گوناگون اجتماعی تا پایان قرن نوزدهم کارایی خود را حفظ کرده بود و متعلمان از روزگار کودکی و آموزش در مکتبخانه‌ها تا دوران جوانی تعلّم در مدرسه، از این نظام تاریخی برخوردار می‌شدند.

از اوایل قرن نوزدهم میلادی و زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار که هم‌زمان با امپراتوری ناپلئون بناپارت در فرانسه بود، توجه دنیای غرب به سوی مشرق‌زمین بیش‌تر جلب شد و کارگزاران سلسله قاجاریه نیز در پی آن روابطی را که ایران از زمان صفویه با مغرب‌زمین پیدا کرده بود، گسترش دادند.

در دوره پادشاهی فتحعلی‌شاه، جنگ‌های ایران و روس رخ داد که با شکست ایرانیان و از دست دادن بخش‌های زیادی از ایران‌زمین همراه بود. آن شکست دردناک و فزون بر آن پیدایش نوعی «احساس همبستگی ملی» در جامعه باعث شد که دولت‌مردان دلسوز و فرهیختگان آن روز همانند عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی در پی علت اصلی شکست ایرانیان باشند که همانا بی‌خبری از دانش‌ها و فنون آن روزگار بود. نخستین اقدام آنان از سال ۱۲۳۱ قمری (۱۸۱۶ م.) بدین سو، اعزام دانشجو برای

دانش‌اندوزی به اروپا، به‌ویژه کشور فرانسه و انگلیس بود؛ اما آن‌سان که انتظار می‌رفت این امر سودمندی فرهنگی زیاد به بار نیاورد و مدیران جامعه را بر آن داشت تا نهادهایی را پدید آورند که بتوانند مبدع و مولّد نظام آموزش ملی در جامعه باشند که برجسته‌ترین سیاستمداری که به این امر عنایت ورزید، میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود. به همین دلیل شناخت آن مرد بزرگ تاریخ ایران، علت و چگونگی تأسیس نخستین مدرسه عالی جدید را روشن می‌کند.

در ادامه از فضای مدرسه و دگرگونی‌های آن، وظایف آموزشی و کارکردهای نهاد مزبور و نظام اداری مدرسه (معلمان، مدرّسان و دانشجویان) و استمرار زمانی آن سخن به میان خواهد آمد و واپسین تحرکات علمی و آموزشی آن، کم و بیش به محک شناخت نزدیک خواهد شد.

فصل یکم

امیرکبیر، صدراعظم ایران

درآمد

ایران از دوره سلطنت فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار در مسیر دگرگونی قرار گرفت و با اخباری که مردم از پیشرفت‌های غربیان از طریق ترجمه مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های خارجی و گفت‌وگو با شخصیت‌های اروپایی دریافتند، بیش‌وکم رموز پیشرفت اروپا و عقب‌ماندگی خود را دانستند. میرزا تقی‌خان امیرکبیر که می‌توان او را بنیان‌گذار واقعی دارالفنون و آموزش‌های جدید در ایران دانست، زاده آن دوره تاریخی بود.

عواملی چند در زندگی وی، موجب تکوین شخصیت و ترقی و کارساز شدن او شد.

۱. خاستگاه خانوادگی (مقدمات برآمدن)

الف. موقعیت خانوادگی

میرزا تقی‌خان فرزند کربلایی محمدقربان آشپز و مطبخ‌دار خاندان قائم‌مقام فراهانی به دلیل هوش و ذکاوتی که داشت توسط میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام به میرزا محمدخان زنگنه امیرنظام معرفی شد تا او را به عنوان لشکرنویس

استخدام کند، در این شغل میرزا تقی‌خان شایستگی نشان داد و اندک‌اندک به منشی‌گری نظام منصوب شد و به دلیل آشنایی با بیگانگان و حسن معاشرت با مأموران خارجی، به مقامات بالاتری ارتقاء یافت.



۱. امیرکبیر

■ ب. مأموریت به روسیه

نخستین مأموریت خارجی او پس از قتل گریبایدوف وزیرمختار روسیه، عضویت در هیأتی به ریاست خسرومیرزا هفتمین پسر عباس میرزا و سفر به روسیه در سال ۱۲۴۴ قمری بود که مدت ۱۱ ماه به طول انجامید. در این مدت میرزا تقی خان ۲۲ ساله، با دیدار از دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و نهادهای فرهنگی و تولیدی مسیر پیشرفت آن کشور را به رأی‌العین مشاهده کرد. در تفلیس از مدارس گرجیان بازدید کرد و در شهرهای دیگر آرشیو دفترخانه‌ها و نهادهای اداری را مورد مطالعه کوتاه قرارداد. به گونه‌ای که در ذهن او و تصمیم‌گیری‌هایش اثرات زیادی به یادگار ماند (آدمیت، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

■ ج. مأموریت به عثمانی

عامل دیگری که در میرزا تقی خان اثر گذاشت و اندیشه اصلاحات را در ذهن او بیدار کرد، سفر وی به دولت عالیّه عثمانی برای شرکت در کنفرانس ارزروم در سال ۱۲۵۹ قمری (۱۸۴۳ م.) به عنوان نماینده تام‌الاختیار ایران به دستور محمدشاه قاجار بود. این مأموریت ذهن میرزا تقی خان را علاوه بر آشنایی با نوآوری‌های عثمانی، با امر دیپلماسی آشنا کرد و چه بسا اندیشه استقلال ایران و رشد و پیشرفت آن در ذهن وی منقوش گردید و هم‌زمان با انجام وظیفه‌های دیوانی در آذربایجان و برخورداری از مصاحبت و همکاری با قائم‌مقام و عباس میرزا، اندیشه‌های پخته و کارسازی را به دست آورد.

۲. بروز شایستگی و توانایی و رسیدن به صدارت

پس از درگذشت محمدشاه قاجار، ایران همانند زمان‌های پس از مرگ پادشاهان، دچار هرج و مرج شد. میرزا تقی خان در همان تبریز که ولیعهد ایران، ناصرالدین میرزا، اقامت داشت، سپاهی فراهم آورد و با هماهنگی سفیران

روس و انگلیس، همراه با ولیعهد جوان و گروه دیگری از دیوانیان و درباریان به سوی پایتخت حرکت کرد و در ۱۳ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ قمری وارد تهران شد. روز بعد مراسم تاجگذاری برپا کردند و ناصرالدین‌شاه جوان به تخت سلطنت نشست و میرزا تقی‌خان بر اثر لیاقت و حسن کفایت با لقب اتابک اعظم به صدارت منصوب شد و بعد از اندک زمان به امیرکبیر ملقب گردید.



۲. عباس میرزا

امیرکبیر که اینک قدرت و نفوذ زیادی به دست آورده بود، درصدد اجرای نقشه اصلاحات خود که زیان‌های زیادی برایش دربر داشت، برآمد و تصمیم به دگرگونی‌هایی در نهاد دیوانی و نظامی و اقتصادی گرفت که در آنها، اقبال یار او نبود. هم‌چنین وی که از ریشه اصلی عقب‌ماندگی ایران آگاه بود، تأسیس نهاد فرهنگی و آموزشی جدیدی را مدنظر قرار داد که با عنوان «دارالفنون» در تاریخ فرهنگی ایران جایگاه خاصی به دست آورده است.

بخش عمده اصلاحات امیرکبیر که نتایج چشمگیری پدید آورد و تاریخ به آنها اشاره دارد، مربوط به امور فرهنگی و آموزش و پرورش بود. امیرکبیر فزون بر عامل ذوقی و پرورش‌یافتگی در مکتب قائم‌مقام، در دو سفر خارجی (روسیه و عثمانی) که انجام داد، ریشه اصلی اصلاحات در جامعه آن روز ایران را بازشناسی کرد و دانست تا جوانان ایران، آموزش صحیح و جدید پیدا نکنند و علوم و فنون نوین را نشناسند و در کاربرد آن آگاهی نیابند، در کلیت جامعه و نهادهای گوناگون آن نمی‌توانند تحول و پیشرفت به وجود آورند.

۳. اصلاحات فرهنگی

برنامه اعزام محصل به خارج، برای دریافت‌های جدید فرهنگی در جامعه کفایت نمی‌کرد، امیر تأسیس نهادهای آموزش در ایران را مفیدتر تشخیص داده بود و بی‌آن‌که به نهادهای سنتی (مکتب‌خانه و مدرسه) آسیب وارد شود یا در برپایی مدارس میسیونری خللی ایجاد گردد، با در نظر گرفتن کمبودهای علمی و فنی و هنری، تأسیس مدرسه‌ای نوین در ایران را به مرحله اجرا درآورد.

ناگفته نماند که در تاریخ فرهنگی ایران بسیاری از وزیران و امیران نهادهایی علمی چون نظامیه، ربع رشیدی و مدارس و کتابخانه‌ها تأسیس کرده‌اند که امری غیر حکومتی بوده است و انجام آنها بر پایه حسن‌نیت و ذوق و علاقه‌مندی بانیان و مؤسسان تحقق یافته و به نام و عنوان آنان در

تاریخ باقی مانده است. اما در ذهن امیرکبیر این امر فرهنگی به عنوان «وظیفه دولتی» تجلی کرده بود و کوشش وی بر آن بود که به دولت و سازمان‌های مربوط به آن، عهده‌داری نهاد آموزش و پرورش و خدمات فرهنگی جامعه را محول نماید. این اقدام در ایران تازگی داشت و از نخستین گام‌های حکومتی در نوسازی کشور شناخته شده است.

۴. اندیشه دارالفنون

مجموع آموخته‌ها و آشنایی‌های امیرکبیر با آکادمی‌ها و مدرسه‌های گوناگون روسیه، و برداشت‌های وی از کتاب جهان‌نمای جدید که به ابتکار و نظر وی ترجمه و تدوین شده بود، و شرح و توصیف‌های دارالعلم‌های کشورهای غربی و چگونگی حضور دانشجویان و برخورداری‌های علمی و فنی آنان، بنیادهای اقتباس و تفکر و سازندگی فرهنگی را در وی پدید آورد و از این طریق وی می‌خواست به نیازهای جامعه آن روز ایران پاسخ دهد، اما جامعه هنوز آمادگی پذیرش آموزش و پرورش جدید را که ریشه در مدرنیته کامل و همه‌جانبه داشت، به‌دست نیاورده بود. امیرکبیر در ایجاد دارالفنون به دو مسئله می‌اندیشید:

الف. حراست از استقلال ایران در گزینش استادان و معلمان خارجی

وی معلمان و مدرسان انگلیسی و فرانسوی را بی‌طرف نمی‌دانست و عقیده داشت که آنان به منافع و مصالح ایران کم‌تر توجه دارند؛ از معلمان روسی نیز (با در نظر داشتن پیمان شوم ترکمانچای) نه تنها دل خوشی نداشت، بلکه معلمان روسی را در حد معلمان اروپایی نمی‌دانست. به قول دکتر پولاک: «قصد امیر آن بود که معلمان خارجی باید از مداخله در امور سیاسی مملکت حتی‌المقدور خودداری نمایند و منحصرأ به تدریس پردازند و به همین ملاحظه از استخدام معلمان روسی و انگلیسی و همچنین فرانسوی خودداری کرد» (آدمیت، ۱۳۲۳، ص ۱۷۷).

امیرکبیر، صدراعظم ایران

با در نظر گرفتن قراردادهای مبتنی بر سلطه با بریتانیا، استخدام معلم از هر کشور اروپایی میسر نبود. از این رو دو کشور پروس و آلمان که در آن زمان نظر سوتنی نسبت به ایران نداشتند، مورد توجه امیر قرار گرفتند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۲۵۸).



۳. جمعی از اساتید و محصلان

■ ب. حفظ دیانت و اخلاق و فرهنگ ایرانی

تأسیس مدرسه جدید می‌توانست مورد مخالفت بخشی از روحانیت قرار گیرد. ناصرالدین‌شاه نیز گمان می‌کرد که صاحبان مدارس قدیمی و معلمان سنت‌گرا به شیوه‌هایی با مدارس جدید به سبک اروپا عناد بورزند و به همین دلیل در نامه‌ای خطاب به امیرکبیر او را از این اقدام بر حذر داشت. اما امیرکبیر که وقوف کامل بر این امر داشت، در عمل با دعوت از یک عالم دینی از حوزه

علمیه قم به نام ملا محمدحسین معلّم عربی و فارسی و پیشنمازی و برقراری دروس اسلامی و عربی و برپایی نماز جماعت (استخدام اذان‌گو) و برپایی مناسک مذهبی (رمضان، محرم و اعیاد دینی) دهان بدگویان و بهانه‌گیران را که گاه ریشه‌های سیاسی داشت و به نام دین مطرح می‌شد، مانند دسیسه‌های میرزا آقاخان نوری را بسته و به ناصرالدین‌شاه پاسخ داد: «پس از تأسیس مدرسه، نخستین طبقه‌ای که از سود آن آگاه خواهند شد، علما و بزرگان خواهند بود و آنانند که در مرتبه اول فرزندان خود را بدین مدرسه جدید خواهند فرستاد و از این‌رو منفعت آن به این طبقه بیش از طبقات دیگر عاید می‌شود» و به گفته محبوبی اردکانی پیش‌بینی امیرکبیر درست بود: «پس از افتتاح مدرسه هیچ‌گونه مخالفتی از طرف مردم به ظهور نرسید و با تدابیری چون غذای مجانی و پرداخت وجوهی به محصلین بر تعداد شاگردان افزوده شد، تا جایی که برای پذیرفتن شاگرد در مدرسه شرایطی وضع گردید» (۱۳۵۴، ج ۱، ص ۲۵۵). بدین‌سان، با شیوه‌های عاقلانه، برنامه تأسیس نخستین مدرسه عالی که دانش‌های جدید اروپایی را آموزش می‌داد، توسط امیرکبیر پس از موافق گرداندن شاه بیست و دو/سه‌ساله وارد مرحله عمل شد.